

برنده کتاب فصل (پاییز ۱۳۸۷)

اندیشه سیاسی اسلام در سده‌های میانه

(طرحی مقدماتی)

نویسنده:

اروین آی. جی. روزنتال

برگردان:

علی اردستانی

ویراست جدید



سرشناسه	روزنتال، اروین آیزاک یاکوب، ۱۹۰۴م.	Rosenthal, Erwin Isak Jakob
عنوان و نام پدیدآور	اندیشه سیاسی اسلام در سده های میانه: (طرحی مقدماتی) / نویسنده اروین آی. جی. روزنتال؛ برگردان علی اردستانی.	
وضعیت ویراست	: [ویراست ۲].	
مشخصات نشر	: تهران: قومس، ۱۳۹۶.	
مشخصات ظاهری	: ۳۰۴ص.	
شابک	: 978-964-8811-09-4	
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا.	
یادداشت	عنوان اصلی: Political Thought in Medieval Islam: An Introductory Outline.	
یادداشت	: چاپ سوم.	
یادداشت	: کتابنامه.	
موضوع	: علوم سیاسی - تاریخ.	
موضوع	: Political Science - History	
موضوع	: جامعه شناسی اسلامی.	
موضوع	: Islamic sociology	
شناسه افزوده	: اردستانی، علی، ۱۳۵۴ - ، مترجم.	
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ الف ۸ / ر ۵۱ JC	
رده بندی دیویی	: ۳۲۰/۹۵	
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۰۵۸۶۹	



☆ نام کتاب: اندیشه سیاسی اسلام در سده های میانه (طرحی مقدماتی)

* مؤلف: اروین آی. جی. روزنتال

* برگردان: علی اردستانی

* طراح جلد: محدثه موسوی

* حروفچینی و صفحه آرایی: حروفچینی هما (امید سیدکاظمی)

* شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۱۱-۰۹-۴

* نوبت چاپ: سوم

* سال چاپ: ۱۳۹۶

* تیراژ: ۵۰۰ جلد

* چاپ و صحافی: سعید دانش

* ناشر: خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، پایین تراز لبافی نژاد، کوچه بهار، شماره ۱۱

* تلفن و نمابر: ۶۶۴۷۰۱۶۲ - ۶۶۹۳۲۷۹۷ - ۶۶۴۷۰۱۵۳

* صندوق پستی: ۱۳۹۱-۱۳۱۴۵

* نشانی اینترنتی: www.ghoomes.com

* قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق چاپ و نشر (افست و الکترونیکی) تکثیر، نسخه برداری و ترجمه برای نشر قومس محفوظ است
(استفاده از مطالب کتاب فقط با ذکر مأخذ بلامانع است)

فهرست مطالب

۶	یادداشت مترجم بر ویراست دوم
۱۰	یادداشت نویسنده
۱۱	یادداشت مترجم
۱۳	علائم اختصاری
۱۴	مقدمه

بخش نخست: قانون اساسی [شریعت] و تاریخ اسلامی

۲۳	فصل اول. جست و جوی سعادت
۲۳	۱- ایستار سده های میانه
۲۵	۲- قانون، خداوند و انسان
۳۲	فصل دوم. خلافت: نظریه و کارکرد
۳۸	۱- ماوردی
۴۶	۲- غزالی
۵۰	۳- ابن جماعه
۵۷	۴- ابن تیمیه: حکومت قانون الهی
۸۰	فصل سوم. حکومت
۸۰	۱- دیدگاه های یک اخلاق باور سودمندگرا
۸۵	۲- دیدگاه های امیران، وزیران و ادیبان
۱۱۰	فصل چهارم. نظریه قدرت - دولت: پژوهش ابن خلدون درباره تمدن

بخش دوم: میراث افلاطونی

۱۴۴	فصل پنجم. فلسفه سیاسی در اسلام
۱۵۵	فصل ششم. فارابی: تاسیس

فصل هفتم. ابن سینا: سنتز.....	۱۸۵
فصل هشتم. ابن باجه: انحراف فردگرایانه.....	۲۰۳
فصل نهم. ابن رشد: اوج.....	۲۲۳
فصل دهم. دوانی: کاربست و ادغام.....	۲۶۳

ضمیمه. دیدگاه‌های برخی از اندیشمندان ترک درباره سیاست.....	۲۸۱
--	-----

پیوست‌ها

پیوست ۱.....	۲۹۳
□ نمایه.....	۲۹۷

یادداشت مترجم بر ویراست دوم

تقریباً یک دهه پیش که در صدد ترجمه‌ی کتاب کلاسیک اروین روزنتال برآمدم، هدف اصلی بر حول آشنایی بیشتر خوانندگان، به ویژه دانشجویان اندیشه سیاسی، با آرا و نظرات این اسلام‌شناس کهنه‌کار می‌چرخید تا تدارک درسنامه‌ای برای دانشجویان. از خنکی روزگار، این کتاب مورد توجه «اهل آکادمی» قرار گرفت و در سال‌های بعد از چاپ‌های اول و دوم آن‌که به ترتیب در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ صورت گرفت، به تدریج از زوایای مختلف مورد ارزیابی قرار گرفت. این ارزیابی‌ها که در ادامه به مهم‌ترین‌شان خواهیم پرداخت، کمک زیادی هم به فهم و تعمیق نقطه نظرات پروفیسور روزنتال در جامعه‌ی علمی ایران کرده و هم مترجم را در اصلاح خطاها و اشتباهات راه یافته به کتاب یاری رسانده است. جا دارد همین‌جا از تمامی این عزیزان صمیمانه تشکر و قدردانی کنم که کوشیده‌اند با آبیاری نهال اندیشه سیاسی به تناور شدن آن در ایران کمک کنند.

نخستین نقدی که بلافاصله بعد از انتشار کتاب صورت گرفت، از آن جناب آقای محسن صبوریان است که در وبلاگ شخصی خود در طی نقدی کوتاه به درستی به چند مورد از خطاهای ترجمه‌ای و ویرایشی موجود در کتاب اشاره کردند. نکات مورد نظر ایشان جملگی درست بودند و در ویرایش جدید لحاظ شدند. حسرت نگارنده همواره این بوده که چرا چنین نقدی تا این حد کوتاه است و تمام کتاب را دربر نمی‌گیرد.^[۱]

خوشبختانه سایر نقدها و بررسی‌ها تا این حد کوتاه نیستند و بعضاً به طور مفصل به ارزیابی کتاب پرداخته‌اند. در این‌جا باید به نقد جناب آقای دکتر خلجی اشاره کنم که در طی مقاله‌ای مفصل در فصلنامه سیاست کوشیده‌اند با هدف «توسعه و ترویج اندیشه سیاسی اسلام و تعاطی و برخورد اندیشه‌ها» ارزیابی جامعی از کتاب ارائه دهند. ایشان بعد از معرفی تمام عیار کتاب به ذکر مهم‌ترین انتقادات خود می‌پردازد. این انتقادات عبارتند از: فقدان روش‌شناسی روشن و چارچوب نظری آشکار، رویکرد تحلیلی پوزیتیویستی، تأکید بر اندیشه سیاسی اهل سنت و غفلت از اندیشه سیاسی شیعه، تأکید بر وامداری اسلام نسبت به یهودیت و مسیحیت، ضرورت بازنگری در معادل‌سازی واژگان تخصصی و تهیه فهرست منابع یا کتابشناسی، و لزوم پاسخگویی به برخی شبهات علمی در پاورقی‌های توضیحی.

تا جایی که به مترجم اثر مربوط می‌شود، از میان انتقادهای دکتر خلجی سه مورد آخر معنا می‌یابد و سایر موارد به ساختار و ماهیت کتاب ارتباط می‌یابد. اگرچه می‌توان در این موارد هم به بحث نشست، اما بررسی

این موارد مجال دیگری می‌طلبد و نگارنده ترجیح می‌دهد در این یادداشت مختصر به مواردی بپردازد که مستقیماً به ترجمه مربوط می‌شود تا تالیف کتاب. در مورد بازنگری در معادل‌سازی واژگان تخصصی، واقعیت این است که این موضوع مهم‌ترین دغدغه حقیر را چه در زمان ترجمه‌ی کتاب و چه در دوره‌ی بعد از انتشار آن تشکیل می‌داد. مساله اساسی این است که نویسنده‌ی کتاب می‌کوشد اندیشه سیاسی اسلام در سده‌های میانه را در پرتو واژگان علمی جدید تجزیه و تحلیل کند. این در عمل بدان معناست که اگر بخواهیم همان واژگان سده میانه‌ای را به کار ببریم، نقض غرض خواهد شد و قصد و منظور اصلی نویسنده مغفول خواهد ماند و اگر بخواهیم در چارچوب مفاهیم مدرن صحبت کنیم، واژه مزبور معنای چندانی افاده نخواهد کرد. در این جا نگارنده - به طور مشخص در مورد اصطلاح قانون اساسی مورد نظر منتقد محترم - کوشید نزدیک‌ترین واژه‌ها را برگزیند و مانع از فهم نادرست معنای مورد نظر نویسنده شود. این امر در مورد سایر معادل‌گزینی‌ها نیز صدق می‌کند.

در مورد اصطلاح «خود-نمایانگری» نیز که ایشان متذکر شده بودند اصطلاح نامانوسی است، مجدداً بازنگری شد و ترجمه جدیدی از کل جمله ارائه شد.

نکته دیگری که دکتر خلجی اشاره کرده‌اند، مربوط به پاورقی‌های توضیحی است. ایشان اشاره کرده‌اند که این پاورقی‌ها باید بیشتر باشند تا داوری‌های شخصی نویسنده مشخص شود. واقعیت این است که حقیر در همان چاپ اول تا سرحد امکان سعی کرد این کار را انجام دهد و احساسم این بود که تاکید و تکرار بیش از حد بر چنین پاورقی‌هایی ممکن است به اصالت متن ضربه بزند و یا شائبه‌ی ترجمه‌ای ایدئولوژیک را به وجود آورد. از سوی دیگر، فرض نگارنده همواره این بوده که خوانندگان چنین کتاب‌هایی افرادی مبتدی نیستند و از قوه درک لازم برای فهم این آثار برخوردارند.

در مورد ترجمه‌ی علائم اختصاری نیز به نظر می‌رسد کاری زائد است و ممکن است موجب سردرگمی خوانندگان شود. از همین رو، ترجیح داده شد خوانندگان به صورت مستقیم با این آثار و علائم خاص‌شان روبه‌رو شوند.

در مورد کتاب‌شناسی نیز این مشکل اساسی وجود داشت که بسیاری از آثار متفکران اسلامی به لاتین ترجمه شده‌اند و مؤلف نیز براساس آن‌ها نظر می‌دهد. بنابراین، یا باید اسامی فارسی و یا عربی آن‌ها را بیاوریم و یا اسامی لاتین‌شان، و یا همگی را. در این جا نیز ترجیح داده شد تا منابع همان‌طور که در منبع اصلی آمده، در این جا نیز ذکر شود. البته، در ویراست جدید تلاش شد تا منابع هر فصل به طور جداگانه در انتهای هر فصل آورده شود، به جای آن‌که همانند دو چاپ نخست در پایان کتاب آورده شود.^[۲]

فرد دیگری که به بررسی کتاب روزنتال پرداخته است، آقای اسماعیل احسانی است. ایشان نیز در مقاله‌ای بالنسبه طولانی در کتاب ماه تاریخ و جغرافیا می‌کوشد در پرتو مخالفان و موافقان ایرانی روزنتال به توضیح کتاب بپردازد. ایشان بدون ورود به کیفیت ترجمه، صرفاً به بررسی مباحث کتاب می‌پردازد. ایشان برخلاف دیگران به گونه‌ای چشمگیر با روزنتال همدلانه برخورد می‌کند و خاطرنشان می‌سازد:

«فارغ از چشم‌انداز شرق‌شناسی روزنتال، باید اذعان نمود اثر روشمند و محققانه او برای درک افق آرای سیاسی علمای مسلمان، فهم تاریخی زمینه‌ها و مقتضیات زمانی و مکانی بسیار ارزشمند و جدی است و می‌تواند پرتو روشنی بر نظام معرفتی این دوره بیفکند».

نکته قابل توجه در این بررسی، تاکید بر روش‌شناسی متمایز روزنتال است که «آرا و نظریات متفرق و پراکنده را در نقاط مشترک جمع‌بندی می‌کند و تحلیل و اندیشه‌ها و گرایش‌های سیاسی جهان اسلام را تسهیل و ممکن می‌سازد». این تاکید بر روش‌شناسی برخلاف دیدگاه دکتر خلجی است که معتقد است کتاب روزنتال فاقد چارچوب مشخصی است. در واقع، در این فقره حق با آقای احسانی است و نگاهی اجمالی به مقدمه‌ی کتاب مؤید این دیدگاه است. چارچوب روش‌شناختی روزنتال چنان تاثیری بر ذهن مخاطبان ایرانی داشته است که آن‌ها خود را ناگزیر به موضع‌گیری له یا علیه آن دانسته‌اند.^[۳]

فرد دیگری که در این فاصله به بررسی کتاب روزنتال پرداخته است، دکتر محسن رضوانی است که در طی مقاله‌ای مفصل می‌کوشد به گونه‌ای کاملاً انتقادی به ارزیابی دیدگاه روزنتال در مورد فلسفه سیاسی اسلام بپردازد. این منتقد نیز بدون ورود به سبک و کیفیت ترجمه کتاب، صرفاً می‌کوشد این نکته را ثابت کند که تصویر روزنتال از فیلسوفان سیاسی اسلامی و یونانی «انطباق چندان با متون و آموزه‌های اصلی آنان ندارد».^[۴] از آنجایی که منتقد محترم صرفاً به بررسی نظریات روزنتال پرداخته است، ما نیز به گفته‌های ایشان ورودی نمی‌کنیم، اما ذکر این نکته در مورد ایشان و سایر ردیه‌نویسان ایرانی، که عمدتاً دانش‌آموخته حوزه‌های علمیه نیز هستند، خالی از فایده نیست که از سویه‌های ایدئولوژیک برخوردار است و به جای تلاش برای درک بینش و روش حاکم بر اندیشه روزنتال، از همان ابتدا سعی در نفی و تکذیب او دارند و گاه به ایراد مطالبی می‌پردازند که هیچ نسبتی با روح حاکم بر این دسته از مطالعات ندارد. به عنوان مثال، دکتر رضوانی در همین مقاله مطلبی را به روزنتال نسبت می‌دهند که روح او نیز از آن بی‌خبر است: «البته روزنتال در نهایت، «فقه سیاسی» را دانشی معرفی می‌کند که می‌تواند به جای «فلسفه سیاسی» در پیشبرد زندگی مسلمانان کاربرد داشته باشد». مهم‌ترین ایراد این گفته به اصطلاح «فقه سیاسی» برمی‌گردد که مطلب طوری عنوان شده که گویی روزنتال این اصطلاح را وضع کرده است. نگاهی اجمالی به آثار روزنتال نشان می‌دهد که او هیچ‌گاه به چنین عنوانی قائل نبوده و چه بسا حتی مخالف آن نیز بوده است. متأسفانه، در ایران به واسطه‌ی عدم وجود یک سنت علمی قوی در علوم انسانی، به ندرت شاهد نقادی‌های علمی هستیم و بیشتر آن‌ها مبتنی بر پیشداوری‌های فرقه‌ای و مذهبی است.^۱ تا جایی که به کتاب حاضر برمی‌گردد، هر ذهن منصف و فارغ از پیشداوری‌ای می‌تواند به اصالت آن و دانش گسترده‌ی روزنتال در حوزه اسلام‌شناسی پی ببرد.^[۵]

نگارنده امیدوار است با ترجمه‌ی تدریجی سایر آثار روزنتال، کمک ناچیزی به درک انتقادی سنت ایرانی-اسلامی خود انجام دهد، چرا که ما بدون نگاه انتقادی به این سنت نخواهیم توانست از «آستانه» - به تعبیر زیبای دکتر سید جواد طباطبایی - گذر کنیم و همچنان در هاویه‌ی سنت دست و پا خواهیم زد. به هر رو، در ویراست جدید تلاش شد کل کتاب از نو بازنگری شود و هر کجا نیاز به ترجمه یا ویرایش مجدد احساس می‌شد، با دقت صورت گیرد. در دو فقره نیز متن به صورت ناقص ترجمه شده بود که در ویراست

۱. با توجه به این‌که ما به این موضوع در جای دیگری به طور مفصل پرداخته‌ایم، در این جا به منظور جلوگیری از اطاله‌ی کلام از بیان مجدد آن پرهیز می‌کنیم. خوانندگان محترم برای آگاهی بیشتری می‌توانند به اثر زیر رجوع کنند که در مقدمه‌ی آن به شرح و نقد چنین دیدگاه‌هایی پرداخته شده است:

- اردستانی، علی، بنیادهای نظری علم سیاست، تهران، نشر قومس، ۱۳۹۳.

جدید برطرف شد. همچنین، از این چاپ به بعد تلاش خواهد شد تا بخش جدیدی به عنوان «پیوست» به کتاب اضافه شود و در هر نوبت چاپ، دیدگاه یکی از افراد شاخص که به بررسی کتاب حاضر پرداخته‌اند، آورده شود. این امر به خوانندگان، به ویژه دانشجویان، کمک می‌کند تا در کنار درک و برداشت خود از کتاب، با دیدگاه شخصیت‌های برجسته و تاثیرگذار نیز در مورد کتاب آشنا شوند. در چاپ پیش رو ما به بیان دیدگاه‌های دکتر سید حسین نصر خواهیم پرداخت.

با این حال، نگارنده هنوز اطمینان کامل ندارد که متنی کاملاً منقح و به دور از خطا مهیا شده باشد. از خوانندگان اهل انتظار می‌رود با تدقیق و دقت نظر در زوایای مختلف کتاب، ایرادات احتمالی را گوشزد کنند تا بدین ترتیب، در آینده بتوان به ترجمه‌ای منقح‌تر دست یافت.^۱

علی اردستانی
تیرماه ۱۳۹۵ خورشیدی

یادداشت‌های مترجم بر ویراست دوم

- ۱- <http://saboorian.blog.ir/1388/09/05/political-thought-in-medieval-islam-translation-criticism>.
- ۲- خلجی، عباس، اندیشه سیاسی اسلام یا اندیشه سیاسی اهل سنت؟ معرفی و نقد کتاب اندیشه سیاسی اسلام در سده‌های میانه، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، ش ۱، بهار ۱۳۸۹.
- ۳- احسانی، اسماعیل، سرشت سیاست، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، خرداد ۱۳۸۹، ش ۱۴۵.
- ۴- رضوانی، محسن، بررسی انتقادی نظریه «روزنتال» درباره فلسفه سیاسی، حکومت اسلامی، سال ۱۷، ش ۱، بهار ۹۱، پیاپی ۶۳.
- ۵- برای نقدی بالنسبه منصفانه و تا حدی علمی از کتاب حاضر بنگرید به: نصر، سید حسین، نقد کتاب تفکر سیاسی در اسلام قرون وسطی، نوشته اروین آی. جی. روزنتال، معرفت جاودان (مجموعه مقالات سید حسین نصر)، به اهتمام سید حسن حسینی، تهران، مهرنوش، ۱۳۸۶، ۵۳۷-۵۳۸.

۱. خوانندگان محترم در صورت تمایل می‌توانند از طریق ایمیل زیر با نگارنده تماس گیرند:

یادداشت نویسنده

این کتاب اساساً در آغاز سال ۱۹۵۵ به پایان رسید و به طور طبیعی آثار منتشرشده‌ی مرتبط با این موضوع در بعد از این تاریخ لحاظ نشده‌اند.

در این جا لازم است از مدیر انتشارات دانشگاه کمبریج به خاطر کمک به اصلاح متن تایپ‌شده تشکر کنم. همچنین باید از کارکنان انتشارات که در تمامی مراحل کتاب با مهارت تمام عمل کردند، سپاسگزاری و قدردانی کنم.

سرانجام باید برای تهیه‌ی نمایه‌ی موضوعی از دوست دانشمندی که تمایلی به ذکر نام خود ندارد، تشکر ویژه کنم.

یادداشت بر چاپ دوم

در چاپ جدید با استفاده از فرصت به دست آمده، اغلاط تصحیح و برخی از عبارات دوباره مورد بازنویسی واقع شده‌اند.

یادداشت مترجم

بدون تردید، با وجود مقدمه‌ی درخشان خود پروفیسور روزنتال بر کتاب هر گونه مقدمه دیگری تکراری بر مکررات و اضافی خواهد بود. با این حال، اشاره‌ی به چند موضوع ضروری است. موضوع نخست به خود کتاب مربوط می‌شود. این کتاب اولین بار در سال ۱۹۵۸ به چاپ رسید و سپس در طی سال‌های ۱۹۶۲، ۱۹۶۸ و ۱۹۸۴ سه بار دیگر منتشر شده است. این ترجمه بر اساس چاپ دوم کتاب در سال ۱۹۶۲ است، اما تا آن‌جا که نگارنده می‌داند هر چهار چاپ متن یکسانی دارد و متن اصلی تغییری نکرده است.

موضوع دیگر به سبک و نوع ترجمه برمی‌گردد. خوانندگان اهل خود بر این امر واقف‌اند که اصولاً ترجمه‌ی متون فلسفی و نظری، به منظور حفظ اصالت اندیشه و انتقال درست و صحیح افکار نویسنده، مترجمان به ناچار باید تا حدی سلاست و روانی متن را قربانی این انتقال درست کنند. بر همین اساس، نگارنده علی‌رغم آگاهی و اشراف بر این موضوع، آگاهانه کوشیده تا سرحد امکان به متن اصلی وفادار بماند و معنا را فدای روانی و یک‌دستی متن نسازد. با این حال، این بدان معنا نبوده و نیست که نباید اصطلاحات بیگانه را در زبان خود درونی نکنیم. در عوض، باید تا سرحد امکان این کار انجام دهیم. به طور طبیعی، چنین موضوعی، چه در برگردان اصطلاحات و چه در برگردان جملات، در این جا همواره مد نظر بوده است. برای نمونه، می‌توان به عنوان خود کتاب^۱ اشاره کرد. چنان‌چه بخواهیم ترجمه‌ای تحت‌اللفظی از آن ارائه کنیم، باید آن را به «اندیشه سیاسی در سده‌های میانه اسلامی (اسلام)» ترجمه کرد. به نظر می‌رسد چنین ترجمه‌ای اساساً واجد تمام معنا نیست، زیرا در این صورت شما باید تمام متفکران اعم از اسلامی و غیر اسلامی و یا آن دسته از متفکران اسلامی را نیز که چندان در قید شریعت نبوده‌اند، مورد بررسی قرار دهید. نگاهی اجمالی به کتاب موبد این نظر خواهد بود که نویسنده‌ی محترم کتاب فقط به آن دسته از اندیشمندان و متفکرانی از جهان اسلام نظر داشته است که پایبندی آنها به شریعت اسلام شهره‌ی خاص و عام است. بنابراین، به نظر می‌رسد در ترجمه‌ی این اصطلاح باید آن را به «اندیشه سیاسی اسلام در سده‌های میانه» برگردانیم. ناگفته پیداست که منظور از اندیشه سیاسی اسلام، اندیشه سیاسی متفکران اسلامی و سیر تحول تفکر اسلامی در طی ادوار میانه است. مثال دیگر در این مورد اصطلاحی است که نویسنده برای فقهای مورد نظر خود به کار می‌برد. اصطلاحی که نویسنده ذکر می‌کند، در صورت ترجمه‌ی تحت‌اللفظی باید آن را به «قانون اساسی نویسان»^۲ ترجمه کرد، در حالی که این ترجمه از اساس اشتباه است، زیرا در آن دوره اساساً مفهوم

«قانون اساسی» هنوز مطرح نبوده و استعمال آن خواننده امروزی را به خطا می‌اندازد. اگرچه به نظر می‌رسد نویسندگان در برخی اوقات دقیقاً به قانون اساسی در اصطلاح امروزی نظر دارد، اما ما در این جا اصطلاح «شریعت‌نامه‌نویسی» (تا آن جا که نگارنده می‌داند، اولین بار این اصطلاح را دکتر جواد طباطبایی به کار برده است) را در برابر عبارت پیشگفته و اصطلاح شریعت را در مقابل «قانون اساسی» در نظر می‌گیریم. در همین رابطه باید به خود کلمه‌ی «قانون»^۱ اشاره کرد. در این جا اساساً شرع به عنوان قانون لحاظ شده است و ما نیز به تبعیت از نویسندگان به جز در مواردی که مستقیماً به شرع اشاره می‌شود، معادل قانون را در برابر آن آورده‌ایم. نکته‌ی دیگر استفاده‌ی مکرر نویسندگان از مفهوم «آینه‌های شاهی» است. در واقع، همان طور که جناب دکتر طباطبایی (گفت‌وگوی شخصی) خاطرنشان می‌سازد، منظور از این مفهوم همان سیاست‌نامه‌هاست و از همین رو، شایسته بود که به هنگام ترجمه به سیاست‌نامه برمی‌گردانده می‌شد. با این حال، التزام مترجم به انتقال دقیق آرای نویسندگان و وجود دست‌کم یک اثر به همین نام در ادبیات ایران (یعنی کتاب آینه شاهی اثر ملا محسن فیض کاشانی) مانع از انجام این کار شد. در این رابطه مثال‌های دیگری نیز وجود دارند که به منظور جلوگیری از اطاله‌ی کلام از ذکر آنها خودداری می‌شود. موضوع دیگری که باید به آن توجه داشت، ترجمه‌هایی است که از کتب و رسائل فارسی به انگلیسی شده است. مترجمان انگلیسی (این موضوع به احتمال قوی در مورد سایر زبان‌ها نیز صدق می‌کند) در ترجمه‌ی آثار فارسی هیچ‌گاه نتوانسته‌اند حلاوت و ظرافت زبان فارسی را به زبان انگلیسی منتقل سازند. به همین دلیل، شما وقتی قطعه‌ای از سعدی را می‌خوانید اصلاً برایتان آشنا نیست و احساس می‌کنید که با آدم دیگری روبرو هستید. بنابراین، نگارنده در مواجهه با چنین متن‌هایی اصولاً خود را مقید به آن ترجمه‌ها ندانسته و همواره به اصل این کتب رجوع کرده است. و سخن آخر این که نگارنده به هیچ وجه خود را بری از خطا و اشتباه نمی‌داند و از تمام طالبان علم و فرهیختگان این مرز و بوم طلب راهنمایی و اصلاح خطاهای احتمالی را دارد.

در پایان، نگارنده بر خود فرض می‌داند تا از تمام افرادی که در ترجمه‌ی این کتاب او را یاری کرده‌اند، تشکر و قدردانی کند. در میان بقیه می‌توان از عالی جنابان دکتر محمد رضوی، دکتر سید جواد طباطبایی، دکتر محمدرضا بهشتی، دکتر حسین بشیریه و دوست بسیار خوبم جناب آقای مهدی حجت نام برد. با این وجود، مسوولیت هر گونه خطا یا لغزشی در این اثر متوجهی نگارنده است و هیچ‌یک از این عزیزان در آن سهمی ندارند. و سرانجام، نگارنده باید از مدیریت محترم نشر قومس استادگرامی جناب دکتر همایون الهی و سایر دست‌اندرکاران آن به ویژه آقایان احمد خدابخش مقدم و مهدی عباسی، که زمینه‌ی چاپ این کتاب را فراهم کردند، تشکر و قدردانی کند.

علی اردستانی
تیرماه ۱۳۸۵ خورشیدی

علائم اختصاری

ACR	Ervin I. J. Rosenthal. Averros' Comentary on Plato's «Republic» (Cambridge University Press, 1956).
AH	Anno Hijrae
AIJT E. I. J. R.,	«Avicenna's Influence on Jewish Thought» in Avicenna: Scientist & philosopher, ed. G. M. Wickens (London 1962).
BSOAS	Bulletin, School of Oriental and African Studies, London.
C. E.	Common Era
EI	Encyclopadia of Islam
GAL	C. Brockmann, Geschichte der arabischen Literatur (Leiden, 1943-9), 2 vols., and Supplementary vols. I, II, III (Leiden, 1937-42).
KAF E. I. J. R.,	'Ibn Jaldun's Atitude to the Falasifa' in Al-Andalus, XX, I, 1955.
KGS E. I. J. R.,	Ibn Khaldun's Gedanken uber den Staat (Munnchen und Berlin, 1932).
M E. R. J. R.,	«Maimonides' Coception of State and Society» in Moses Maimonides, ed. I. Epstein (London, 1935).
MGWJ	Monatsschrift fur Geeschichte und wissenschaft des Judentums.
MSOS	Mitteilugen des Seminars fur Orientalalische Sprachen der Universitat Berlin.
NE	Aristole, Nichomachean Ethics.
PF E. I. J. R.,	«The Place of Politics in the Philosophy of Al-Farabi» in Islamic Culture, XXIX, 3, 1955.
PG E. I. J. R.,	«Politische Gedanken bei Ibn Bagga» in MGWJ, 1937.3.
PIB E. I. J. R.,	«The Place of Politics in the Philosophy of Ibn Bajja» in Islamic Culture, XXV, I, 1951.
PIR E. I. J. R.,	«The Place of Politics in the Philosophy of Ibn Rushed» in BSOAS, XV, 2, 1953.
RSO	Rivisita degli Studi Orientali.
SAIPT E. I. J. R.,	«Some Aspects of Islamic Political Thought» in Islamic Culture, XXII, I, 1948.
ZDMG	Zeitschrift der deutschen Morgenlandischen Gesellschaft.